



مباحثه در مورد مادران ائمه (ع) و بررسی نسب عمر بن خطاب و عایشه

ابر گروه مناظراتی خیمه گاه حضرت ابوالفضل(ع)



سیدعباس

online

SEND MESSAGE

شیعه ال محمد (ص)



جویای کارنارویی

last seen recently

SEND MESSAGE

اهل سنت عمر

سید عباس

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أبو نعيم ثنا يونس ثنا العيزار بن حريث قال قال النعمان بن بشير قال  
استأذن أبو بكر على رسول الله فسمع صوت عائشة عالياً وهي تقول والله لقد عرفت ان علياً أحب إليك  
من أبي ومبى مرتين أو ثلاثاً فاستأذن أبو بكر فدخل فأهوى إليها فقال يا بنت فلانة الا أسمعك ترفعين  
صوتك على رسول الله

روزی ابوبکر اجازه ورود بر پیامبر را گرفت . در این هنگام دید که صدای عاشیه بسیار بالاست(و وی بر  
سر پیامبر فریاد می کشید) و به پیامبر می گفت : بر من رسیده است(فهمیده ام) که علی از من و پدرم  
نزد تو بهتر است و این جمله را دو یا سه مرتبه تکرار کرد . پس ابوبکر داخل شد . بر سر عایشه فریاد  
. کشید و گفت : ای دختر فلانه . دیگر نشنوم که صدایت را بر رسول خدا بلند میکنی

مسند الإمام أحمد بن حنبل ، ج ۴ ص ۲۷۵

دوستان عزیز همان گونه که مشاهده نمودید ابوبکر دخترش را به بنت فلانه تعبیر کرده و این بدین  
معناست که حتی ابوبکر هم نمی دانست پدر عایشه چه کسی هست

**جویای کارنارویی:**

بدبخت دختر فلانه درمفاتیح اومده

📖 یا بنت فلانه

یعنی دختر مادر 🤔🤔🤔🤔🤔

**سیدعباس:**

پس شما هم اقرار کردی عایشه زنا زاده هست همان طور که عالم شما گفته برای ولد زنا از لفظ بنت  
فلانه استعمال می شود و کسی که زنا زاده باشد او را به مادرش خطاب می دهند همان طور که ابوبکر  
عایشه را به مادرش خطاب داد

أما ولد الزنا فيلحق نسبا بأمه،

اما زنا زاده منتسب به مادرش می شود

الكتاب: فتاوى اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى - المؤلف: اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء -

جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق الدويش - ج ۲۲ ص ۳۴

<http://shamela.ws/browse.php/book-8381#page-16537>

یعنی رسوایی به آوردی که بیچاره کردی خودت رو تو اقرار کردی

ابوبکر عایشه را به نام مادر خوانده و این اقرار باز هم به ضررت هست زیرا عمریه در کتب شما نقل کرده اند که عمر بن خطاب رو به نام مادر می خوانند زیرا به نام مادر خودند طعن هست در نسب و اثبات زنا زادگی

ابن اثیر جزری کتابی دارد به نام المثل السائر جلد ۲ صفحه ۳۰۳ مینویسد که : « فَإِنَّ الْعَرَبَ قَدْ كَانَ يُعَيِّرُ بَعْضُهَا بَعْضًا بِنِسْبَتِهِ إِلَى أُمَّهِ أَلَا تَرَى أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ يُقَالُ لَهُ إِنَّ الْهَنْتَمَةَ وَ أَنَّهَا كَانَتْ يَقُولُ ذَلِكَ مَنْ يَقُضُّ مِنْهُ : عَرَبِهَا إِنْ مِخْوَسْتَنْدَ بِهٖ كَسَى كِنَايَهٗ بَزَنَدَ اُو رَا بِهٖ اِسْمَ مَادَرَشِ صَدَا مِزْدَنْدَ اَيَا نَمِيبِينِيدَ كَهٗ مَرْدَمَ بِهٖ عُمَرَ بِنِ الْخَطَّابِ مِیْگفتند ابن هنتمه و کسانی او را اینگونه صدا میزدند . » که با عمر کینه و دشمنی داشتند

المثل السائر - جلد ۲ - صفحه ۳۰۳



این هم نکته دوم بیچاره کردی امروز خودت را خاک بر مذهب کردی و آتش زدی بر مذهب

**جوای کارنارویی :**

دوستان ابوبکر بخاطر ناراحتی که عایشه به پیامبر سرصدا کرده بود گفت دختر فلانه ماهم پدرمون عصبی میشه این میگه نه اینکه اون زنا زاده باشه

مثلا

لا تلعن علی عیون الملاء خبری اخف عنهم ما یكون نشره علی عارا واطوعنهم ما یحلقنی عندک شنارا  
امام سجاد میگه اخبار مرا پیش دیگران فاش مکن که باعث ننگ من هست و آنها رو بیوشان

صحیفه سجادیه

**سیدعباس:**

امدی ابرو رو درست کردی زدی چشم رو هم کور کردی یعنی پدر شما عصبانتی  
باشه به خواهرت می گوید زنا زاده؟

**جوای کارنارویی:**

## امام سجاد میگه خدایا اخباری مایه ننگ من پخش نکن

سید عباس:

این هم بدبختی تو هست هنوز فرق بین اخبار تا نسب رو نمی فهمی عمر بن خطاب می گوید نسب من معلوم نیست چیه امام سجادت سخن از اخبار می کند واقعا اخبار و بی نسبی عمر یکی هست بیچاره کردی خودت را

اما بدبختی اینجاست که در عرب رسم است کسی که بی نسب باشد او را بنت فلانه و با بنت فلان و یا ابن فلان می خوانند ربطی به عثمان ابوبکر ندارد

👉👉👉👉

در عرب مرسوم است وقتی کسی را که حلال زاده نباشد و زنا زاده باشد را با الفاضی چون ابن فلان، ابن ابیه و یا ابن جماعه معرفی می کنند کما اینکه در مورد معاویه نیز این چنین آمده است

در ذیل یک داستان تاریخی را برای شما نقل می کنم که یک درگیری لفظی بین معاویه و شخصی به نام زیاد بن ابیه بر سر نسبشان پیش می آید که هر دوی آنها حرام زاده هستند به الفاظ دقت کنید

معاویه به زیاد بن ابیه (از این جهت به او ابن ابیه می گفتن چون ژدرش مشخص نبود) نامه نوشت و گفت: بیچاره! تو پدر نداری و فقط مادرت مشخص است که چه کسی است، زیاد بن ابیه جواب نوشت که :

وَأَمَّا تَعْيِيرُكَ لِي بِسَمِيَّةٍ فَإِنَّ كُنْتَ أَبْنُ سَمِيَّةٍ فَأَنْتَ أَبْنُ جَمَاعَةٍ

اگر من فرزند سمیه هستم، اقلأً مادرم معلوم است؛ ولی تو فرزند چند نفر هستی و پدرت گروهی بوده است.

شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۸۳

اینها صاعقه های آتشین هست که کمر مذهب رو می شکنند باز هم ابروی خودت رو بردی زیرا تو اقرار کردی بحث نسب شناسی اولاً نیاز به سند ندارد

👉👉👉👉

جویای کارنارویی

## بدبخت نسب شناسی سند نمیخاد



و ایضا روایت هم صحیحه



جموعه مؤلفات الشیخ عبداللہ الدویش

# کتاب

## أخبار المدينة النبویة

تألیف  
ذی زب عمر بن سبیر القمیری (القمیری) ریحمة الله

ویلیه  
الکلمات المفیده علی أخبار المدينة  
تألیف الامامة المحدث

الشیخ / عبداللہ بن محمد بن احمد الدویش  
متوفی ۱۲۷۲ھ / ۱۸۵۸م

المجلد السادس

الجزء الثالث

أشرف علی طبعها وتصحیحها  
عبد العزیز بن احمد المشیخ

دار العینان

• حدثنا أحمد بن عيسى قال، حدثنا عبدالله بن وهب قال، حدثني ابن لهيعة، عن يزيد بن أبي حبيب، عن ربيعة بن لقيط<sup>(۱)</sup> عن مالك بن هدم<sup>(۲)</sup> أنه سمع عمر بن الخطاب رضي الله عنه يقول: **أبها الناس تعلموا أنسابكم لتصلوا أرحامكم**<sup>(۳)</sup>، **ولا يسألني أحد ما وراء الخطاب**، ألا وقد ذكر لي: أن رجلاً منكم قد أكثروا في إسماعيل وما ولد، والله أعلم بإسماعيل وما ولد، والله ليبتنن عن ذلك أولاً لجنن كل قوم بجمرتهم، ألا وإن أبانا الذي لا يشك فيه إبراهيم.

• حدثنا أحمد قال، حدثنا ابن وهب قال، حدثني الحارث بن نهبان، عن محمد بن عبيد الله، عن ابن إسحاق، عن حسان بن يزيد: أن عمر رضي الله عنه قال: كذب التسابون ما يرجون (قول<sup>(۴)</sup>) الله تعالى: ﴿وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا﴾ تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ وَتَعْرِفُونَ بِهِ مَوَارِيثَكُمْ، وَتَعْلَمُوا مِنَ النُّجُومِ مَا تَعْرِفُونَ بِهِ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَتَهْتَدُونَ بِهِ السَّبِيلَ وَمَنَازِلَ الْقُرَى<sup>(۵)</sup>.

(۱) قال ابن حجر في التجميع قال المعلي تابعي ثقة وذكره ابن حبان في الثقات ص ۸۹.

(۲) ذكره في الإصابة في الصحابة في القسم الأول من حرف الميم.

(۳) إسناده صحيح وقد رواه ابن حزم في الجمهرة من وجه آخر عن عمر ورجاله لثقت ص ۵ وورد مرفوعاً من حديث أبي هريرة رواه الترمذي والحاكم وصححه ووافقه الذهبي في تلخيصه.

(۴) قال إضافة بقضها السابق.

(۵) إسناده ضعيف فيه الحارث بن نهبان وهو متروك كسا في التفریب وقد رواه ابن عبد البر في جامع بيان العلم عن أبي نضره عن عمر بإسناد صحيح إن كان سمعه من عمر.

## جويای کارنارویی

وقال عمرو بن علي، وَعَبَدَ اللهُ بنَ لَهَيْعَةَ كانَ احترقت كُتبه، وَمَنْ كُتِبَ عَنْهُ قَبْلَ ذَلِكَ مِثْلَ ابْنِ الْمُبَارَكِ وَالْمَقْبَرِيِّ أَصَحُّ. وَهُوَ ضَعِيفُ الْحَدِيثِ (ع) مِمَّنْ كُتِبَ بَعْدَ الْإِحْتِرَاقِ،

وَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَحْتَجَّ بِرَوَايَتِهِ أَوْ يَعْتَدَّ بِرَوَايَتِهِ (ع) سَمِعْتُ ابْنَ حَمَادٍ يَقُولُ: قَالَ السَّعْدِيُّ بنَ لَهَيْعَةَ لَا يُوَقَّفُ عَلَيَّ حَدِيثُهُ،

ضَعِيفٌ (ع) وَقَالَ النَّسَائِيُّ عَبْدُ اللهِ بنَ لَهَيْعَةَ بنَ عَقْبَةَ أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمِصْرِيُّ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بنُ عَلِيِّ السُّكَّرِيُّ، حَدَّثَنَا عِثْمَانُ بنُ سَعِيدٍ، قُلْتُ لِيَحْيَى بنَ مَعِينٍ: كَيْفَ رَوَايَةُ بنَ لَهَيْعَةَ، عَنْ أَبِي الزَّبِيرِ عَنْ ضَعِيفِ الْحَدِيثِ (ع) جَابِرٍ قَالَ ابْنُ لَهَيْعَةَ

قال عثمان

ضعيف (ع) وفي موضع آخر بن لهيعة كيف حديثه عندك قال

ضعيف (ع) حَدَّثَنَا ابْنُ حَمَادٍ، حَدَّثَنَا معاوية، عَنْ يَحْيَى، قَالَ: عَبْدُ اللهِ بنَ لَهَيْعَةَ بنَ عَقْبَةَ الْحِزْمِيُّ

لا يَحْتَجُّ بِحَدِيثِهِ (ع) حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي بَكْرٍ، حَدَّثَنَا عَبَّاسٌ، عَنْ يَحْيَى، قَالَ ابْنُ لَهَيْعَةَ

وَلَا يَنْبَغِي أَنْ يُحْتَجَّ بِهِ، وَلَا يُعْتَدَّ بِهِ (ع) وَقَالَ الْجَوْزْجَانِيُّ: ابْنُ لَهَيْعَةَ لَا نُورَ عَلَيَّ حَدِيثِهِ،

إِنَّهُ كَانَ لَا يَرَى ابْنَ لَهَيْعَةَ شَيْئًا (ع) وَقَالَ الْحُمَيْدِيُّ، عَنْ يَحْيَى الْقَطَّانِ

أَبِي وَأَبَا زُرْعَةَ عَنْ ابْنِ لَهَيْعَةَ وَالْأَفْرَيقِيِّ أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكُمَا (ع) عَبْدُ الرَّحْمَنِ قَالَ سَأَلْتُ

جميعا ضعيفان (ع) فقالا

فضعفه (ع) سَأَلْتُ أَحْمَدَ بنَ حَنْبَلٍ عَنْ ابْنِ لَهَيْعَةَ (ع) نا عبد الرحمن نا حرب بن إسماعيل الكرماني فيما كتب إلى قال

عبد الله ابن لهيعة ليس (ع) نا عبد الرحمن أنا أبو بكر ابن أبي خيثمة فيما كتب إلى قال سمعت يحيى بن معين يقول القوي (ع) حديثه بذلك

عَنْ عَبْدِ اللهِ بنِ عَمْرٍو عَنْ رَسُولِ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «إِذَا مَلَكَ الْعَتِيقَانِ عَتِيقُ الْعَرَبِ وَعَتِيقُ - 12415 -  
الرُّومِ كَانَتْ عَلَيَّ أَيُّدِيهِمَا الْمَلَا حِمُّ» .

وَفِيهِ ابْنُ لَهَيْعَةَ وَفِيهِ ضَعْفٌ، وَمُحَمَّدُ بنُ سَفْيَانَ الرَّأوِي عَنْهُ لَمْ أَعْرِفْهُ (ع) رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ،

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: «إِنَّهُ سَيَكُونُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ بِمِصْرَ يَلِي - 12417 -  
» «سُلْطَانًا، ثُمَّ يُغْلَبُ عَلَى سُلْطَانِهِ - أَوْ يُنْزَعُ مِنْهُ - فَيَفِرُّ إِلَى الرُّومِ، فَيَأْتِي بِالرُّومِ إِلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ فَيَتَلَكَّ أَوَّلَ الْمَلَا حِمِّ

فِيهِ ضَعْفٌ (ع) رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ، وَأَبُو النَّجْمِ صَاحِبُ أَبِي ذَرٍّ لَمْ أَعْرِفْهُ، وَابْنُ لَهَيْعَةَ



من طریق ابن وهب، عن ابن لهيعة، عن خالد بن يزيد، عن الزهري، عن عروة، عن عائشة، وهذا إسناد حسن، لأن ابن وهب صحيح السماع من ابن لهيعة

زیرا سماع ابن وهب از ابن لهيعة صحيح است ﴿٤﴾ این سند حسن است ﴿٥﴾

مسند احمد جلد ۱۱ صفحه ۲۸۴ ﴿٦﴾

کمرت باز شکسته شد



ثانیا این راوی که اوردی جرح مفسر هم ندارد و اضافه بر اینکه بنا بر اقرار تو اصلا بحث نسب شناسی نیاز به تصحیح ﴿٧﴾ سندی ندارد

﴿٨﴾ ﴿٩﴾ ﴿١٠﴾ ﴿١١﴾ ﴿١٢﴾ نمی دانم چرا وقتی بحث زنا زادگی عمر هست سخن از بررسی سند می شود

جویای کارنارویی

﴿١٣﴾ بدبخت نسب شناسی سند نمیخاد

جویای کارنارویی:

البانی کیه بدبخت بزرگان حدیث تضعیفش کردن قول البانی شاذ پس کل احادیث سیدعباس آورد ضعیف

سیدعباس:

﴿١٤﴾ ﴿١٥﴾ ﴿١٦﴾ ﴿١٧﴾ ﴿١٨﴾ شاذ در نقل روایت هست و نه توثیق روات ﴿١٩﴾ ﴿٢٠﴾ ﴿٢١﴾ ﴿٢٢﴾

و اضافه براینکه علمای شما اولاً دلیل جرح را مشخص نکرد پس ارزشی ندارد و ثانیاً روایت هم صحیح و فقط هم البانی نیست که او را توثیق کرده



ابن حجر هم او را حسن الحدیث می داند که حسن هم در طبقه مختلف فیه و ثقه هست

: ابن حجر الهیثمی

رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَفِيهِ ابْنُ لَهَيْعَةَ وَحَدِيثُهُ حَسَنٌ، وَبَقِيَّةُ رِجَالِهِ ثِقَاتٌ

<http://shamela.ws/browse.php/book-61/page-1203>

روایاتش می شود صحیح لذا به همین دلیل هم البانی و دیگران روایات او را تصحیح سندی کردن مانند احمد شاکر و بخاری هم گفته این راوی هیچ اشکالی ندارد

:توثیق ابْنُ لَهَيْعَةَ







● حدثنا أحمد بن عيسى قال، حدثنا عبد الله بن وهب قال، حدثني ابن لهيعة، عن يزيد بن أبي حبيب، عن ربيعة بن لقيط<sup>(١)</sup> عن مالك بن هدم<sup>(٢)</sup> أنه سمع عمر بن الخطاب رضي الله عنه يقول: أيها الناس تعلموا أنسابكم لتصلوا أرحامكم<sup>(٣)</sup>، ولا ينسأني أحد ما وراء الخطاب، ألا وقد دُكر لي: أن رجلاً منكم قد أكثروا في إسماعيل وما ولد، والله أعلم بإسماعيل وما ولد، والله ليتنهن عن ذلك أو لألحقن كل قوم بجمرتهم، ألا وإن أبانا الذي لا يشك فيه إبراهيم.

● حدثنا أحمد قال، حدثنا ابن وهب قال، حدثني الحارث بن نيهان، عن محمد بن عبيد الله، عن ابن إسحاق، عن حسان بن يزيد: أن عمر رضي الله عنه قال: كذب النسايون ما يرجون (قول<sup>(٤)</sup>) الله تعالى: ﴿وَقَرُّوْنَا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا﴾ تَعَلَّمُوا مِن أَنسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ وَتَعْرِفُونَ بِهِ مَوَارِيثَكُمْ، وَتَعْلَمُوا مِنَ النُّجُومِ مَا تَعْرِفُونَ بِهِ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَتَهْتَدُونَ بِهِ السَّبِيلَ وَمَنَازِلَ الْفَقْرِ<sup>(٥)</sup>.

(١) قال ابن حجر في التلخيص قال العجلي تابعي ثقة وذكره ابن حبان في الثقات ص ٨٩.  
 (٢) ذكره في الإصابة في الصحابة في القسم الأول من حرف الهميم.  
 (٣) إسناده صحيح وقد رواه ابن حزم في المحجزة من وجه آخر عن عمر ورجاله ثقت ص ٥ وورد مرفوعاً من حديث أبي هريرة رواه الترمذي والحاكم وصححه ووافقه الذهبي في تلخيصه.  
 (٤) قال إصافة بضمها السياق.  
 (٥) إسناده ضعيف فيه الحارث بن نيهان وهو متروك كما في التقريب وقد رواه ابن عبد البر في جامع بيان العلم عن أبي نضره عن عمر بإسناد صحيح إن كان سمعه من عمر.

## جویای کارنارویی:

پس كاملا ضعيف همه ميبينن

## سيدعباس:

اره همه ديدن سند صحيحه

زيرا بسيارى از علمای شما تعابیر تعديل برای او به کار بردن بزارید بیشتر او را رسوا کنیم او را گفته اند صدوق هست

ابن حجر عسقلانی:

عبدالله ابن لهيعة بفتح الكلام و كسر الهاء ابن عقبه الحضرمي أبو عبد الرحمن المصري -3563  
القاضي الصدوق

تقريب التهذيب ، جلد ١ ، صفحه ٣١٩

احمد بن حنبل هم می گوید ضابط و اتقان الحديث هست

أحمد بن حنبل : من كان مثل ابن لهيعة بمصر في كثرة حديثه وضبطه وإتقانه

بیچاره کردی خودت را اعظم رجالی مذهبت او را یا توثیق کردن یا مورد تعديل قرار دادن



مطلب جدید چی داری بفرست جواب بدم

جوای کارنارویی:

پس ابن لعیبه سعیف بود

افت دوم سند ابن اسحاق مدلس از طبقه چهارمدلسین و سماع نکرده پس کاملاً ثابت شد ضعف روایت

سید عباس:

خوب پس تا اینجا راوی ابن لعیبه شد ثقه

در مورد اینکه گفتم این راوی مدلس هست باید عارض بشم اولاً که همه راویان شما مدلس هستن و اینطوری نیست که بگویند تدلیس جرح مفسره که اگر باشه مذهب شما باطله چون همه راویان شما  
مدلس هستن

حدیث مقطوع) نا أحمد بن إبراهيم العبدی، قال: نا محمد بن معاذ، حدثننا معاذ، عن شعبة، قال: ( " ما رأيت أحداً من أصحاب الحديث إلا يدلس إلا ابن عون، وعمرو بن مرة

از راویان حدیث کسی را ندیدم که در نقل روایات تدلیس ( مخفی نمودن عیب در سند) نکرده باشد  
مگر عروه بن مره و ابن عون

الجوهري البغدادي، علي بن الجعد بن عبید أبو الحسن (متوفای ۲۳۰هـ)، مسند ابن الجعد، ج ۱، ص ۲۴، تحقیق: عامر أحمد حیدر، ناشر: مؤسسه نادر - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰هـ - ۱۹۹۰م؛

پس تدلیس جرح مفسر نیست که اگر باشد کل مذهب شما باد هواس

نکته بعدی

دوستان عزیز من سند روایت رو نشانتان می دهم به من بگویند در کجای روایت ابن اسحاق آمده و رسوایی این عمری را ببینید از بس صاعقه خورده گیج شده نمی داند چی می گویند



جموعه مؤلفات الشيخ عبد الله الدويش

## كتاب أخبار المدينة النبوية

تأليف

أبي زبهر بن مسلم (القمي الهجري) رَحِمَهُ اللهُ

ويصليه

الكلمات المفيدة على أخبار المدينة  
تأليف الأستاذة المحدث

الشيخ / عبدالله بن محمد بن أحمد الدويش  
عنه رَحِمَهُ اللهُ وَوَالِدَيْهِ وَبَشَاتِهِ  
١٤٠٨-١٣٧٢ هـ

المجلد السادس

أجزاء الثالث

أشرف على طبعها وتصحيحها  
عبد العزيز بن أحمد المشيخ

دار العليان

● حدثنا أحمد بن عيسى قال، حدثنا عبد الله بن وهب قال، حدثني ابن لعينة، عن يزيد بن أبي حبيب، عن ربيعة بن لقيط<sup>(١)</sup> عن مالك بن هدم<sup>(٢)</sup> أنه سمع عمر بن الخطاب رضي الله عنه يقول: أيها الناس تعلموا أنسابكم لتصلوا أرحامكم<sup>(٣)</sup>، ولا ينسأني أحد ما وراء الخطاب، ألا وقد ذكر لي: أن رجلاً منكم قد أكثروا في إسماعيل وما ولد، والله أعلم بإسماعيل وما ولد، والله ليتهن عن ذلك أو لألحقن كل قوم بجمرتهم، ألا وإن أبانا الذي لا يشك فيه إبراهيم.

● حدثنا أحمد قال، حدثنا ابن وهب قال، حدثني الحارث بن نيهان، عن محمد بن عبيد الله، عن ابن إسحاق، عن حسان بن يزيد: أن عمر رضي الله عنه قال: كذب النسايون ما يرجون (قول<sup>(٤)</sup>) الله تعالى: ﴿وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا﴾ تعلموا من أنسابكم ما تصلون به أرحامكم وتعرفون به موريتكم، وتعلموا من النجوم ما تعرفون به ساعات الليل والنهار، وتهتدون به السبل وتتازل القفر<sup>(٥)</sup>.

(١) قال ابن حجر في التلخيص قال العجلي تابعي ثقة وذكره ابن حبان في الثقات ص ٨٩.

(٢) ذكره في الإصابة في الصحابة في القسم الأول من حرف الهميم.

(٣) إسناده صحيح وقد رواه ابن حزم في المحجرة من وجه آخر عن عمر ورجاله ثقت ص ٥ وورد مرفوعاً من حديث أبي هريرة رواه الترمذي والحاكم وصححه ووافقه الذهبي في تلخيصه.

(٤) قال إصطقة يفضيها السياق.

(٥) إسناده ضعيف في الحارث بن نيهان وهو متروك كذا في التلخيص وقد رواه ابن عبد البر في جامع بيان العلم عن أبي نضرة عن عمر بن الخطاب صحيح إن كان سمعه من عمر.

- ١٣ -

و چرا جواب سوال من رو نمی دی؟

این روایت رو که علمای شما گفتن صحیحه نیازی به تصحیح کردن توسط ما نیست

👉👉👉 به من این رو جواب بده

تا ۳۰ دقیقه پیش نسب شناسی نیاز به سند صحیح نداشته الان حرام زادگی عهمر چطورى بررسى  
سند مى خواهد؟

👉👉👉👉👉

جویای کارنارویی

👉 بدبخت نسب شناسی سند نمیخاد



شما خودت اعتبار و علت احتجاج به روایت رو ثابت کردید و گفتید روایت نسب نیاز به بررسی سند نداره به من بگو بینم

روایتی که نیاز به بررسی ندارد حال آنکه صحیح هست رو چرا دست و پا می زنی ضعیف کنی؟  
 😄😄😄😄

تناقض کلام خودت رو جواب بده تضعیف روایت پیش کشت که در حدش هم نیستی تضعیف کنی زیرا  
 بزرگان تصحیح کردند 😄😄😄😄

**جویای کارنارویی:**

بدبخت ابروت بردم دواقت حدیث گفتم ابن لهعه ضعیف

**سیدعباس:**

بیچاره دو افت گفتمی که هر دو افت ثابت کرد طاعون زده بر علم رجالت افت دومیت راوی ابن اسحاق بوده که در سند حدیث وجود نداره و کمتر شکست





جمعة مؤلفات الشيخ عبد الله الدويش

## كتاب

# أخبار المدينة النبوية

تأليف

أبي زيد عمرو بن عمرو الطحيري (الرهمري) رحمه الله

وسليم

الكلمات المفيدة على أخبار المدينة  
تأليف العلامة للحدث

الشيخ / عبد الله بن محمد بن أحمد الدويش  
عقبة الله في مؤلفاته العلمية وشرحه  
١٤٠٨-١٤١٢ هـ

المجلد السادس

الجزء الثالث

أشرف على طبعها وتصحيحها  
عبد العزيز بن أحمد المشيخ

دار العليان

• حدثنا أحمد بن عيسى قال، حدثنا عبد الله بن وهب قال، حدثني ابن لهيعة، عن يزيد بن أبي حبيب، عن ربيعة بن لقيط<sup>(١)</sup> عن مالك بن هدم<sup>(٢)</sup> أنه سمع عمر بن الخطاب رضي الله عنه يقول: أيها الناس تعلموا أنسابكم لتصلوا أرحامكم<sup>(٣)</sup>، ولا يسألني أحد ما وراء الخطاب، ألا وقد ذكر لي: أن رجلاً منكم قد أكثروا في إسماعيل وما ولد، والله أعلم بإسماعيل وما ولد، والله ليبتهن عن ذلك أول الجفن كل قوم بجمرتهم، ألا وإن أبانا الذي لا يشك فيه إبراهيم.

• حدثنا أحمد قال، حدثنا ابن وهب قال، حدثني الحارث بن نيهان، عن محمد بن عبيد الله، عن ابن إسحاق، عن حسان بن يزيد: أن عمر رضي الله عنه قال: كذب النسابةون ما يرجون (قول<sup>(٤)</sup>) الله تعالى: ﴿وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا﴾ تعلموا من أنسابكم ما تصلون به أرحامكم وتعرفون به مورثكم، وتعلموا من النجوم ما تعرفون به ساعات الليل والنهار، وتهدون به السبيل ومنازل القمر<sup>(٥)</sup>.

(١) قال ابن حجر في التجميع قال العجلي تابعي ثقة وذكره ابن حبان في الثقات ص ٨٩.

(٢) ذكره في الإصاة في الصحابة في القسم الأول من حرف التميم.

(٣) إسناده صحيح وقد رواه ابن حزم في الجمهرة من وجه آخر عن عمر ورجاله ثقات ص ٥ وورد مرفوعاً من حديث أبي هريرة رواه الترمذي والحاكم وصححه ووافقه الذهبي في تلخيصه.

(٤) قال إضافة بقتضها السياق.

(٥) إسناده ضعيف فيه الحارث بن نيهان وهو متروك كما في التفریب وقد رواه ابن عدالير في جامع بيان العلم عن أبي نضر عن عمر بإسناد صحيح إن كان سمعه من عمر.

و اضافه بر اینکه این تناقضت رو هم جواب بده ابروی خودت رو بردی بدجایی گیر کردی دست و پا نزن  
بیشتر ابروت داره می شه عصبانی نشو با خونسردی جواب بده



تا ۳۰ دقیقه پیش نسب شناسی نیاز به سند صحیح نداشته الان حرام زادگی عهمر چطورى بررسى  
سند مى خواهد؟

جويای کارنارویی

بدبخت نسب شناسی سند نمیخاد

سید عباس:

خوب سه رسوایی به بار آورد که از دفاع ان فراری هست این عمری باید برای خودت تابوت بخرد

کمرش شکست نیازی به جمع بندی ندارد همه رسوایش رو به چشم دیدند

این اقا ادعا کرد ابن اسحاق راوی روایت مدلسه که اصلا در روایت چنین فردی وجود ندارد



جموعه مؤلفات الشيخ عبد الله الدويش

## كتاب أخبار المدينة النبوية

تأليف

أبي زبهر بن عبد الحميد الحميري رحمه الله

ويؤليه

الكلمات المفيدة على أخبار المدينة  
تأليف المسألة للحدث

الشيخ / عبد الله بن محمد بن أحمد الدويش  
عنه والله توفيقاً له ولوالديه ولشأنه  
١٤٠٨-١٣٧٧ هـ

المجلد السادس

أجزاء الثالث

أشرف على طبعها وتصحيحها  
عبد العزيز بن أحمد المشيخ

دار العليان

● حدثنا أحمد بن عيسى قال، حدثنا عبد الله بن وهب قال، حدثني ابن لعينة، عن يزيد بن أبي حبيب، عن ربيعة بن لقيط<sup>(١)</sup> عن مالك بن هدم<sup>(٢)</sup> أنه سمع عمر بن الخطاب رضي الله عنه يقول: أيها الناس تعلموا أنسابكم لتصلوا أرحامكم<sup>(٣)</sup>، ولا ينسأني أحد ما وراء الخطاب، ألا وقد ذكر لي: أن رجلاً منكم قد أكثروا في إسماعيل وما ولد، والله أعلم بإسماعيل وما ولد، والله ليتبين عن ذلك أو لألحقن كل قوم بجمرتهم، ألا وإن أبانا الذي لا يشك فيه إبراهيم.

● حدثنا أحمد قال، حدثنا ابن وهب قال، حدثني الحارث بن نيهان، عن محمد بن عبيد الله، عن ابن إسحاق، عن حسان بن يزيد: أن عمر رضي الله عنه قال: كذب النسايون ما يرجون<sup>(٤)</sup> قول<sup>(٥)</sup> الله تعالى: ﴿وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا﴾ تعلموا من أنسابكم ما تصلون به أرحامكم وتعرفون به موريتكم، وتعلموا من النجوم ما تعرفون به ساعات الليل والنهار، وتهتدون به السبل وتتازل القوم<sup>(٦)</sup>.

(١) قال ابن حجر في التلخيص قال العجلي تابعي ثقة وذكره ابن حبان في الثقات ص ٨٩.

(٢) ذكره في الإصابة في الصحابة في القسم الأول من حرف الهميم.

(٣) إسناده صحيح وقد رواه ابن حزم في المحهرة من وجه آخر عن عمر ورجاله ثقات ص ٥ وورد مرفوعاً من حديث أبي هريرة رواه الترمذي والحاكم وصححه ووافقه الذهبي في تلخيصه.

(٤) قال إصطقة يفضيها السياق.

(٥) إسناده ضعيف في الحارث بن نيهان وهو متروك كذا في التلخيص وقد رواه ابن عبد البر في جامع بيان العلم عن أبي نضر عن عمر بإسناد صحيح إن كان سمعه من عمر.

گفت مدلسه گفتیم تدلیس جرح مفسر نیست زیرا عهده روات شما مدلس هستن

خودش اقرار کرد نسب شناسی نیاز به بررسی سند نداره لذا روایت هم ضعیف باشه قابل احتجاجه



جویای کارنارویی

بدبخت نسب شناسی سند نمیخاد





در مورد مادران ائمه و طاهر بودنشان و طاهر بودن نسب آنها همین بس که علمای شما تصریح کردن بر طاهر بودن مادران ائمه و ابروی شما رفت

<p><b>۸- کتاب النکاح</b></p> <p><b>الروضه النديه</b></p> <p>وأم الإمام علي بن محمد بن علي المذكور الملقب بالجواد والتي أم ولد؛ اسمها خيزران، وقيل: ریحانة.</p> <p>وأم الإمام علي بن محمد الملقب بالهادي والعسكري أم ولد، اسمها سماعة.</p> <p>وأم الإمام حسن بن علي الملقب بالزكي والخالص والعسكري أم ولد؛ اسمها سوسن.</p> <p><b>وأم الإمام محمد بن حسن الملقب بالحجة والقائم والمهدي أم ولد؛ اسمها نرجس.</b></p> <p>وهكذا كان شأن التزوج في اصحاب رسول الله ﷺ، لم يمتزج أحد منهم على الكفاءة في النسب، وإنما أخذ بذلك الجهلة من الأمة، لا سيما أهل القرى والقصبات من نسل العترة والصحابة -رضي الله عنهم أجمعين-</p> <p>واكثرهم خائضون في الباطل، عاطلون عن حلي العلم الموصل إلى الحق؛ وكان أمر الله قديراً مقدوراً.</p> <p>[إلى من تخطب الصغير؟]:</p> <p>(و) تُنْخَبُ (الصغيرة إلى وليها)؛ لما في «صحيح البخاري» وغيره، عن عروة: أن النبي ﷺ خطب عائشة إلى أبي بكر<sup>(١)</sup>.</p> <p>(١) ■ لقته: ويتخي أن لا يزوج صغيره -ولو بالغة- من رجل يكبرها في السن كثيراً، بل يتخي أن يلاحظ تقاربهما في السن؛ لما روي السنائي (٧٠/ ٢٦) بسند صحيح عن بريدة بن الحصيب، قال: خطب أبو بكر وعمر -رضي الله عنهما- فاطمة، فقال رسول الله ﷺ: «إنها صغيرة، فخطبها علي؛ فزوجها منه. قال السندي: «فيه أن القرينة في السن أو القرابة مرمجة؛ لكونها أقرب إلى الألفة، نعم؛ قد يتردد ذلك لما هو أعمى منه، كما في تزوج عائشة -رضي الله عنها-» (ه).</p> <p>١٥١</p>	<p><b>التعليقات الرضية</b></p> <p>قال الماتن -رحمه الله-: «ومن هذا القبيل؛ استثناء الفاطمية من قوله: (وَيُنْتَقَرُ بِرِضَا الْأَعْلَى وَالْوَلِيِّ)، وَجَمَلُ بَنَاتِ فَاطِمَةَ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا- أَعْلَى قَدراً وَأَعْظَمَ شَرَفاً مِنْ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِصَلْبِهِ».</p> <p>فيا عجباً كلَّ الحب من هذه التعصبات الغربية، والتصلبات على أمر الجاهلية، وإذا لم يتركها من عرف أنها من أمور الجاهلية من أهل العلم؛ فكيف يتركها من لم يعرف ذلك؟!</p> <p>والخبر كل الخبر في الإنصاف والاعتقاد لما جاء به الشرع؛ ولهذا أخرج الحاكم في «المستدرک» -وصححه<sup>(١)</sup>- عن رسول الله ﷺ، أنه قال: «أعلم الناس أبصرهم بالحق إذا اختلف الناس».</p> <p>فهذا نص في محل الخلاف.</p> <p><b>انظر أمهات العترة الطاهرة، الذين هم قذوة السادة وأسوة القادة في كل خير ودين، من كُنْ؟</b></p> <p>فأم أبي العترة الإمام زين العابدين علي بن الحسين؛ شهريانو بنت يزيدجرد ابن شهريار بن شبرويه بن خسروبريز بن هرمز بن نوشيروان -ملك الفرس-</p> <p>وأم الإمام موسى الكاظم أم ولد؛ اسمها حميدة.</p> <p>وأم الإمام علي الرضا بن موسى الكاظم أم ولد أيضاً؛ اسمها كتم.</p> <p>(١) ■ وژده الدعوى فاصاب؛ لكن للحديث طريق اخرى حسنة، اوردها في «الروض الصغير»؛ فانظر (رقم ٦٥١)، وقد رواه الطيالسي (رقم ٣٧٨). (ه).</p> <p>١٥٠</p>	
---	---	--

عالمن شما مي گوید مادران ائمه همه پاک و طاهر هستن

**جویای کار نارویی:**

قرینه هست برای نصب نرجس ایشون ٦ اسم دارن و مشخص نیست نسبش

**سید عباس:**

اتفاقا عالم شما گفته ١ اسم داره و تعدد اسم هم اشکال وارد نمی کنه 😊😊😊

سه سه سه خخخخخخخخ

وأم الإمام محمد بن حسن الملقب بالحجة والقائم والمهدي أم ولد؛ اسمها نرجس

اقاي الباني مي گوید مادر امام محمد بن حسن كه ملقت به حجت و قائم و مهدي عجب هست نام مادرش نرجس هست

الروضه النديه، ج ٢، ص ١٥١

<http://shamela.ws/browse.php/book-9293#page-692>

این هم رسوایی دیگر

و در پایان هم متأسفانه نه توانست ابن اسحاق رو به ما نشان بده که از کجای روایت آورده و نه دلیلی داشت به عنوان جرح مفسر برای ابن لهیعه که فرار را بر قرار ترجیح داد

یا علی مدد